

اجمال سبب در مسوولیت مدنی

مختار نعم^۱

چکیده

برخی وقت ها گر چه خواهان می تواند سبب خسارت خود را بر گروهی معلوم منتسب کند، نمی تواند جایگاه دقیق زیان خود را معین کند. زیرا گاهی برخاستن زیان به سبب خطا یا فعل یکی از اعضاء گروه محصور یقینی می باشد ولی معلوم نمی شود که کدام یک از اعضاء آن گروه خسارت را وارد آورده است. این حالت را می توان اجمال سبب در مسوولیت مدنی نامید. در قوانین ایران حکم عامی که هم اصل مسوولیت (پذیرش دعوا و استماع آن) و هم کیفیت مسوولیت و نحوه جبران خسارت را مشخص کرده باشد، وجود ندارد. در این باره فقط ماده ۳۱۵ ق.م.ا. قابل استناد می باشد که این نیز اولاً در خصوص قتل و دیه می باشد و ثانیاً حکمی بر خلاف عدل و انصاف دارد و شایسته به نظر نمی رسد که این حکم (قرعه) به هنگام وحدت مناط به دعوی دیگر نیز تسری داده شود. آنچه عادلانه به نظر می رسد و به خصوص با نیازهای کنونی دنیای خطرناک صنعت همخوانی دارد و البته اطلاق ماده ۳ قانون مسوولیت مدنی نیز به قاضی اختیار انتخاب آن را می دهد، تضامنی و در نهایت مساوی بودن مسوولیت مدنی اسباب مجمل می - باشد. برای اثبات این امر در حقوق فرانسه و آمریکا مطالعه تطبیقی کرده ایم. در این تحقیق اجمال سبب در مسوولیت مدنی را در سه نظام حقوقی ایران و فقه (گفتار اول)، فرانسه (گفتار دوم) و آمریکا (گفتار سوم) مطالعه می کنیم.

واژه های کلیدی: اجمال سبب، قرعه، مسوولیت تضامنی، بار اثبات سببیت، مسوولیت سازمانی، مسوولیت شرکت در بازار

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی.

گفتار اول. حقوق ایران و فقه

بند اول. بیان وضعیت فعلی

در رابطه با اجمال سبب باید از دو جهت متفاوت و البته مرتبط تامل کرد:

الف. از جهت شکلی (آیین دادرسی)

در دعوایی که خوانده آن مجمل می‌باشد و خواهان دو یا چند شخص را خوانده قرار می‌دهد، آیا دادگاه باید دعوی او را بپذیرد یا به جهت معین نبودن خوانده رد بکند؟ در این باره باید دو حالت را از هم جدا کرد. در حالتی که خواندگان غیر محصور هستند، مثلاً اگر ولی دم جماعتی غیر محصور را به عنوان قاتل پدرش معرفی کند، دادگاه دعوی را رد خواهد کرد. زیرا هم اجتماع جماعت غیر محصور به قتل غیر ممکن است و هم فراخواندن و استماع هر یک از آنها ممکن نیست. چنین دعوایی باید گفت که محال می‌باشد. (شهید ثانی، مسالک، جلد ۱۵، ص. ۷۰-۱۶۹) البته البته این حالت را نباید با این اجماع فقها مختلط کرد که هرگاه مرده‌ای در شارع عام یافت شود، به طوریکه قاتل بودن شخص، اشخاصی. و یا اهالی منطقه‌ای معلوم نباشد، دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد. (خویی، تکملة المنهاج، ۱۴۱۰ ه. ق. ص. ۸۲) تفاوت در این است که در این حالت اخیر ولی دم شخص و یا اشخاصی را متهم قتل نمی‌کند و با لحاظ مکان قتل، ارتکاب آن از سوی اشخاص خاص بعید است.

ولی نسبت به حالتی که خواندگان متعدد و محصور هستند و خواهان یکی از آنها را مسوول خواسته خود می‌داند، در اینکه دادگاه دعوی او را استماع کند یا نه، سه نظر می‌توان داد.

۱. عدم استماع به طور مطلق. یعنی فارغ از مبنای دعوی خواهان، دادگاه به دعوی که خوانده آن معین نمی باشد، نباید رسیدگی کند. زیرا دعوا مبهم می باشد. (مغنیه، ۱۴۰۲ ه. ق. جلد ۶، ص. ۷۹؛ شهید ثانی، همان، ص. ۱۷۰)
۲. استماع به طور مطلق. یعنی فارغ از مبنای دعوا دادگاه باید به دعوی که خوانده منحصر آن در گروهی محصور معرفی شده است، رسیدگی کند. زیرا اولاً دادرسی طرقی را در اختیار دارد تا بتواند از عهده اثبات برآید و آن خوانده مجمل را معین کند. به عنوان مثال همانطور که فقها در قتل گفته اند، ولی دم می تواند از دادگاه سوگند خوردن هریک از خواندگان محصور را مطالبه کند و از این طریق در تعیین قاتل از بین آنها توفیق یابد. (نجفی شیخ محمد حسن، ۱۴۱۰ ه. ق. ص. ۱۹۴) ثانیاً تن دادن به اثبات همچون قبول و اتیان سوگند، هیچ ضرری را برای خواندگان مجمل دعوا ندارد. در حالیکه به یقین عدم استماع این دعوا به ضرر خواهان می باشد. ثالثاً به خصوص در دعوی قتل، خواندگان سعی در مخفی کردن عمل خود و غیر ممکن ساختن اثبات می باشند. تا آنجا که ممکن است، دادرسی و محاکمه نباید از پنهان کاری آنان متأثر شده و از احقاق حق و به خصوص از حقوق عمومی و امنیت جامعه مایوس شود. برخی ارزشها به خصوص حرمت خون مسلم، اقتضا دارد که دادرسی از بی تفاوتی دست بردارد و دعوا را بپذیرد و خواهانی را که تعلق سبب به گروه محصور را اثبات کرده است، در تعیین سبب یاری کند. (شهید ثانی، همان؛ نجفی شیخ محمد حسن، همان.)
۳. قول به تفصیل از جهت مبنای دعوا.

در این باره که آیا دادرس باید دعوایی را که خواننده واحد آن در گروهی محصور مردد است، استماع کند یا نه، نباید حکم کلی بدهیم. بلکه باید دعوای را از جهت مبنا یا سببشان از هم جدا کنیم: اگر سبب دعوا قرارداد باشد و خواهان با استناد به تعهد قراردادی (بیع و قرض...) دینی را برعهده یکی از اعضاء غیر معین گروهی محصور مدعی شود، نباید استماع شود. زیرا تعهد قراردادی از رابطه‌ای قراردادی برمی‌خیزد و قرارداد عملی ارادی و آگاهانه می‌باشد و به این خاطر متعهدله قرارداد باید متعهد خود را ضبط کرده باشد و به طور دقیق معین کند. بی‌جهت نیست که قران کریم (بقره، آیه ۲۸۲) به کاتب گرفتن و سند تهیه کردن بر قرارداد توصیه می‌کند و نظامهای حقوقی پیشرفته (ماده ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ قانون مدنی فرانسه و نیز ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی ایران پیش از نسخ) اثبات تعهد قراردادی را نه با بینه و قسم بلکه صرفاً با دلیلی از پیش-تمهید شده (سند) ممکن می‌داند. (Carbonnier, n. ۹۴) ولی اگر مبنای دعوای خواهان نه مسوولیت قراردادی بلکه قهری باشد، چه مسوولیت مدنی و چه مسوولیت کیفری، دادرس باید دعوا را بپذیرد و نمی‌تواند به بهانه مردد بودن سبب واقعی بین گروه محصور از استماع آن خودداری کند. در دعوای غصب، اتلاف، تسبیب، سرقت، اخذ ضاله و به خصوص در قتل ضبط کردن خواننده از پیش معقول و ممکن نمی‌باشد و به ناچار دادگاه باید دعوای خواهان را علیه

۱. اندیشه‌های حقوقی خیلی به همدیگر نزدیک هستند؛ شهید ثانی می‌نویسد: «در قراردادها حق این است که گفته شود خواهان باید طرف قراردادی خود را ضبط کند.» کربونیه استاد فرانسوی نیز می‌نویسد: «جامعه از متعاقد انتظار دارد که طرف قرارداد خود را از پیش تمهید (ضبط) کرده باشد.»

گروه محصور بپذیرد. (شهید ثانی، همان؛ خویی، ۱۴۱۰ ه. ق. ص. ۸۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ه. ق. جلد ۱۴، ص. ۱۵۰)

نظر سوم یعنی قول به تفصیل معقول جلوه می‌کند و با اصول آیین دادرسی و اثبات نیز همخوانی دارد. در این تحقیق نیز که اجمال سبب را در مسوولیت مدنی (و نه در مسوولیت قراردادی) مطالعه می‌کنیم، باید بگوییم که در پذیرش چنین دعوایی از طرف دادگاه مشکلی وجود ندارد. ابهام همانا در کیفیت مسوولیت اسباب مجمل می باشد که هم در حقوق ایران و هم در فرانسه و آمریکا به تحلیل آن می‌پردازیم.

ب. از جهت ماهیتی (مسوولیت مدنی)

در حقوق ایران، متنی قانونی که به عنوان حکم کلی، بیانگر کیفیت مسوولیت اسباب مجمل باشد، به چشم نمی‌خورد. در این باره فقط حکم خاص ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی وجود دارد که طبق آن: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است، و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد، و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی از آن دو اقامه نشود، و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه دیه از یکی از آن دو گرفته می‌شود.»

اینکه مقنن ایرانی جبران خسارت ناشی از زوال حیات را اهمیت می‌دهد و در این راه معین نبودن سبب را مانع نمی‌داند، امریست ممدوح که به تبع یقین بر وجود سبب در داخل گروه محصور بر افراد آن گروه مسوولیت می‌آفریند. اما آنچه جای انتقاد دارد، تبعیت از نظر برخی فقها و انتخاب راه کور عدالت می باشد. زیرا گرچه معروف است که «القرعه لکل امرٍ مشکلٍ»، نباید غافل ماند که قرعه ارزشی بیش از اصل را ندارد که باید به عنوان آخرین چاره و جهت گریز از بلا تکلیفی و

توقف به کار گرفته شود. (الکریمی، ۱۴۲۰ ه. ق. ص. ۶۱) به خصوص به هنگامی که همه خوانندگان محصور تقصیر دارند، آنچه عادلانه به نظر می‌رسد، تسهیم دیه بین همه آنان می‌باشد. برخی از فقها نیز معتقدند که وظیفه قاضی تمسک به قاعده عدل و انصاف و تقسیم دیه بین همه اسباب مجمل می‌باشد. به زعم این فقها، قرعه بدین دلیل اجرا نمی‌شود که عمل به قرعه در جایی جایز است که فقها بدان عمل کرده باشند. (خویی، ۱۳۹۶ ه. ق. ص. ۱۱۸)

آری، عقل و انصاف از قاعده عمومی پنداشتن قرعه ابراء می‌کند و مصلحت را در این می‌بیند که با توسل به توجیه‌های مختلف، خسارت بین تمامی اسباب مجمل توزیع گردد و حکم ماده ۳۱۵ ق.م.ا. استثناء تلقی شود. بدان جهت تفحص خود در فقه را ادامه می‌دهیم تا شاید بتوانیم بر توزیع خسارت توجیهی پیدا کنیم. ابتدا سراغ اصول عملی را می‌گیریم و سپس به ولایت حاکم و تکلیف دادرس در فیصله دادن به دعوی متوسط می‌شویم.

بند دوم. بررسی تحلیلی

الف. توسل به اصل عملی؛ علم اجمالی و دوران امر بین محذورین

از آنجا که از یک طرف بر تعلق سبب به گروهی محصور و تبعاً در اصل تکلیف یعنی لزوم جبران خسارت یقین داریم^۱ و از طرف دیگر هیچ یقین سابقی بر مسوولیت یکی از اعضای گروه نداریم^۲، و بالاخره چون صرفاً یکی از اعضای مسوول

^۱ این لزوم از قاعده‌هایی همچون لاضرر و اتلاف بر می‌خیزد که بلاطلاق هر نوع زبانی را حتی اگر فاعلش نامعین باشد، در بر می‌گیرند.

^۲ به عنوان مثال، اگر یقین داشته باشیم که یکی از اعضای گروه شکارچیان، سرپرست بقیه بوده و تکلیف داشته که بر تیراندازی بقیه نیز نظارت کند، می‌توانیم آن تکلیف را استصحاب کرده و ورود زیان را معلول به جا نیاوردن تکلیف مذکور بدانیم.

است و نه همه آنها، هیچ راهی بر توسل به اصول برائت، استصحاب و احتیاط وجود ندارد. البته مراد از غیر ممکن بودن اعمال احتیاط، حکم اولیه آن یعنی رعایت کردن هر دو طرف شبهه می باشد. توضیح بیشتر اینکه در ما نحن فیه تردید نه در اصل تکلیف بلکه در مکلف به است و آن هم از نوع تردد بین محذورین که رعایت هر دو جانب شبهه ممکن نیست. یعنی نمی توانیم همه اعضاء گروه را ملزم به پرداخت خسارت کنیم. زیرا یقین داریم که صرفاً یکی از آنان مسوول است و نه همه آنان، و به خاطر آن یقین نیز نمی توانیم حکم بر برائت همه اعضاء گروه بدهیم. نظر مشهور اصولیون این است که در دوران امر بین محذورین، همچون تردید در اینکه فردا عید فطر است یا نه، و تبعاً روزه گرفتن حرام است یا واجب، عقل به تخییر حکم می دهد. (صدر، ۱۴۰۶ ه. قمری، ۳۶۹) ۱، ممکن نمی باشد و باید بر موافقت احتمالی بسنده کرد. ۲. در رابطه با مسوولیت مدنی اسباب مجمل نیز، وقتی خسارت توسط یکی از آن اسباب جبران می شود، یقیناً مخالفت قطعی منتفی می گردد و به یقین موافقتی احتمالی نیز حاصل می شود زیرا یقین داریم که سبب در داخل گروه است. البته نباید از برخی فقها غافل ماند که اثری بر علم اجمالی قائل نیستند و آن را

^۱ ایشان در صفحه ۱۳ از جلد سوم می نویسد: «لکن قد یفرض اصل عملی عقلی و هو اصله التخییر فی موارد دوران الامر بین محذورین.» - تقریرات میرزای نائینی بر درس شیخ محمد علی الحسینی السیستانی، العبادات و المعاملات (المسائل المنتخبة)، قم، المطبعة المعمر، الطبعه الثانيه، سنه ۱۴۱۴ ه. قمری، ص ۱۵. - ضیاء الدین العراقي، تنقیح الاصول، المطبعة الحیدریه؛ فلاشبهه فی حکم العقل بالتخییر بینهما عند تساویهما ملاکاً ... و مع حکم العقل لا مجالاً لجریان البرائه.

^۲ ضیاء الدین العراقي، منبع پیشین، صفحه ۶۴: به نظر ایشان وجدان آدمی در ثبوت اصل تکلیف هیچ تفاوتی را بین علم اجمالی و علم تفصیلی احساس نمی کند - سید محمد باقر صدر، معالم الجدیده للاصول، جلد اول، الطبعه الثانيه، مطبعة النعمان، النجف الاشرف، سنه ۱۴۱۶، ص. ۱۸۰ و ۱۸۱.

«کالجهل رأساً» می‌دانند و ایرادی در مخالفت قطعی با علم اجمالی نمی‌بینند، مگر اینکه دلیلی خاص و بیرونی لازم‌الاطاعه بودن آن علم را ثابت کند.^۱

در نقد این نظر باید گفت که علم اجمالی از آن جهت که اصل تکلیف (لزوم جبران خسارت) را ثابت می‌کند، تفاوتی با علم تفصیلی ندارد؛ تفاوت همانا در تعیین مکلف به است که علم اجمالی بر خلاف علم تفصیلی نمی‌تواند از عهده آن برآید، و البته این ناتوانی مزیل اصل تکلیف و مجوز اعمال اصل برائت نیست.^۲

برخی از فقها نیز در رابطه با ثبوت اصل تکلیف به سبب علم اجمالی افزوده اند که «حکم شارع بر مطلق موضوع و ذات آن است نه مقید بر علم به موضوع.» حرمت خمر بر خورد خمر است نه بر خمیری که معلوم می‌باشد.^۳ پس باید با تکیه بر علم اجمالی حکم به تحقق مسوولیت داده شود و تفصیلی نبودن آن علم صرفاً در مقام اجرا (تعیین مسوول جبران) مجوز موافقت احتمالی گردد.

به عنوان نتیجه باید گفت که از منظر اصول عملی، اسباب مجمل مصداق دوران امر بین محذورین می‌باشد و حکم تخییر را به خود می‌گیرد. به این خاطر بعید به نظر می‌رسد که اصول عملی بتواند مجوز مسوولیت تضامنی خواندگان و نهایتاً تقسیم خسارت بین آنان باشد. زیرا یقیناً با این جواب روبرو خواهیم شد که چون یقین داریم که خسارت صرفاً معلول فعل یکی از خواندگان است، حکم بر مسوولیت همه آنها و لوجزئاً (مسوولیت تضامنی)، نوعی مخالفت قطعی با علم

^۱ در این باره از محقق قمی و محقق خوانساری نام می‌برند. نقل از: علی محمدی، شرح رسائل، جلد چهارم، قم انتشارات دارالفکر، چاپ دوم سال ۱۳۷۳ ه. شمسی، صفحات ۱۰ و ۲۱ به بعد، و نیز نقل از هان نویسنده، شرح اصول مظفر، جلد چهارم، انتشارات دارالفکر، چاپ چهارم، بهار ۱۳۷۶، ص. ۱۲۱ به بعد.

^۲ علی محمدی، شرح رسائل، صفحه ۹ - سید محمد باقر صدر، معالم الجدیده، للاصول، ص. ۱۸۲

^۳ علی محمدی، منبع پیشین، ص. ۱۱ - همان نویسنده، شرح اصول مظفر، جلد چهارم، ۱۱۸ و ۱۱۹

اجمالی است که در این باره اثر علم تفصیلی را دارد. اما جای این سوالها باقی می ماند که آیا این مخالفت بدان اندازه قبیح است که تخییر قرعه گونه و غیر صادق؟ آیا چون از دید تاریخی، آن هم در عبادات به تخییر حکم شده، باید راه بر حکم عقلی دیگر همچون تقسیم زیان بین همه اسباب مجمل، که چه بسا در حالت خاصی منصفانه تر نیز باشد، بسته شود؟

ب. توسل به ولایت حاکم

تردیدی نیست که دادرس نمی تواند به بهانه سکوت قانون و معلوم نبودن حکم قضیه در منابع فقهی از صدور حکم امتناع کند. (اصل ۱۶۷ ق. ۱. و ماده ۳ قانون آ.د.م.) پس یک شیوه این است که مصلحت و مفسده صدور حکم بر مسوولیت اسباب مجمل و یا نحوه مسوولیت آنان را بسنجد و علی رغم توقف شرعی، در عمل چاره ای اندیشد و اختلاف را فیصله دهد. شهید اول در این باره می گوید: «هنگامی که مصلحت و مفسده در مقابل هم قرار بگیرند، چنانچه مفسده غلبه داشته باشد، دفع می گردد، مانند حدود شرعی که اعمال آن ها نظر به درد کسی که حد بر او جاری می شود مفسده دارد، اما در ترکش مفسده بزرگتری است که با اجرای آن مفسده بزرگتر دفع می شود. ... و اگر مصلحت بر مفسده غلبه داشته باشد، مصلحت مقدم می شود.» (شهید اول، ۱۳۷۲ ه. ش. جلد اول، ص. ۱-۱۴۰) شهید در جایی دیگر، در این باره که ضابطه ولایت حاکم شرع چیست، می نویسد: «إِنَّ كُلَّ قَضِيَّةٍ وَقَعَ فِيهِ النِّزَاعُ فِي اثْبَاتِ شَيْءٍ أَوْ نَفْيِهِ أَوْ كَيْفِيَّتِهِ وَ كُلِّ أَمْرٍ فِيهِ اخْتِلَافٌ بَيْنَ الْعُلَمَاءِ.... فَهُوَ إِلَى الْحَاكِمِ.» (همان، جلد ۲، ص. ۲۳۴) صاحب عناوین به دنبال نظر شهید اول، نظر نراقی در عوائد را نقل می کند و از اعتقاد نراقی چنین نتیجه می گیرد که اگر نفس لزوم و وجوب امری از سوی شارع معلوم باشد ولی معلوم نباشد که چه کسی باید

آن امر را به جا آورد، باید سراغ حاکم اسلامی را گرفت. (الحسنی المراغی، ۱۴۲۵ ه. ق. جلد دوم، ص. ۵۷۱)

نه تنها به هنگام معلوم نبودن حکم امری به طور دقیق و کامل، برخی از فقها این اختیار را بر حاکم اسلامی قائلند که به منظور حمایت از طرف ضعیف و زیان دیده نیز تصمیم مناسب دیگری را اتخاذ کند؛ نظر مشهور فقهاء امامیه این است که در عقد استصناع، صاحب حرفه (همچون خیاط و تعمیرکاران لوازم خانگی) ید امانی دارند و باید خطایشان ثابت شود تا مسوول واقع شوند. آیت‌الله مکارم شیرازی ضمانتی بودن ید صاحبان حرف را ممکن دانسته و در توجیه ید ضمانتی آنان علاوه بر استناد به قاعده «من له الغنم، فعلیه العزم»، که چون اجرت می گیرند، باید ضامن نیز باشند، می افزاید که «همچنین حاکم می تواند با توسل به ولایت خویش، ید صاحبان حرف را ضمانتی قلمداد کند و از مردم در قبال آنان حمایت نماید.» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ه. ق. جلد ۲، ص. ۲۶۲)

در رابطه با خسارت وارد شده از سوی اسباب مجمل نیز می توان گفت که بخصوص به هنگامی که وارد کنندگان مجمل زیان به دنبال سود و درآمد بوده اند، مفسده ترک قربانی بیش از مصلحتی جلوه می کند که از ترک مسوولیت اسباب مجمل ناشی می شود. پس باید همچون حالت های مشابه، در این حالت نیز به حاکم اسلامی این اختیار را قائل شد که به صلاحدید خود جبران خسارت و شیوه جبران را انتخاب کند. طبق ماده ۳ قانون مسوولیت مدنی نیز «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» حکم این

^۱ «یمكن ان یکون من باب ولاية الحاكم و تضمينه لأرباب الحرف احتیاطا علی أموال الناس فیما إذا رأی منهم قلة المبالاة فیها كما مر فی سابقه.»

ماده را می‌توان به عنوان اصل در نظر گرفت و حکم ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی را استثنایی بر این آزادی دادرس در کیفیت جبران خسارت تلقی کرد. برای تقویت این شیوه (تضامنی تلقی کردن مسوولیت اسباب مجمل و قاعده عمومی ندانستن قرعه) که به یقین منصفانه‌تر و به واقعیت نزدیک‌تر نیز می‌باشد، تحلیل خود را با مطالعه تطبیقی ادامه می‌دهیم.

گفتار دوم. حقوق فرانسه

رویه قضائی فرانسه ابتدا از رسیدگی به دعوایی که خواندگان آن مجمل بودند خودداری می‌کرد با این توجیه که اولاً لازمه مسوولیت مدنی تعیین دقیق محل زیان است و خواهانی که در این تعیین عاجز بماند، نباید مدعی مسوولیت شود. ثانیاً حکم به مسوولیت تضامنی اسباب مجمل در حالیکه علم داریم که صرفاً یکی از خواندگان سبب خسارت بوده و نه بقیه آنها، خلاف انصاف و عدالت است و مسوولیت مدنی را از هدف اصلی خود باز می‌دارد و به به ابزار کیفر تبدیل می‌کند. ولی با گذر زمان نگاه‌ها بر ضرورت جبران خسارت قربانی متمرکز شد و ترک قربانی و جانبداری از خواندگانی که در خطاکار بودنشان تردیدی نبود، به قباحت تبدیل شد. بدان خاطر رویه قضائی و نیز حقوقدانان از یک طرف خواستند با توسل به توجیه‌هایی، اجمال اسباب را بزدايند و از طرف دیگر به خصوص با اعتقاد به شخصیت حقوقی گروه آن اسباب، به دو مبنای مرسوم مسوولیت (تئوری خطا و مسوولیت ناشی از حفاظت شیء) چهره‌ای در خور اسباب مجمل بدهند. در این مبحث، به دنبال تنقیح بحث (گفتار اول)، ابتدا شیوه‌های توجیه اجمال اسباب را بیان می‌کنیم (گفتار دوم) و سپس مبنای مسوولیت را نقل می‌کنیم. (گفتار سوم)

بند اول. تنقیح بحث

الف. بازشناختن اجمال سبب از حالت های مشابه

منظور از اجمال سبب این است که سبب معلوم ولی غیر معین باشد. بدین توضیح که گرچه خواهان سبب خسارت خود را در گروهی و یا در عده ای می یابد، نمی تواند به طور دقیق مشخص کند که کدامین عضو از آن گروه یا از آن عده محصور سبب دقیق زیان او بوده است. پس اولاً در حالت اجمال سبب نباید در این باره تردیدی باشد که خسارت همانا از جانب یکی از اعضاء گروه وارد شده است و إلاً نه تنها سبب مجمل نیست بلکه اصلاً رابطه سببیتی وجود ندارد. پس به هنگامی که خواهان مدعی آتش گرفتن منزلش به سبب خطای یکی از دو کودک باشد، ولی نتواند ثابت کند که خسارت واقعاً معلول خطای یکی از آنان است، نمی تواند مدعی مسوولیتی باشد. (Civ. ۲^o, ۳ fevr. ۲۳۸-Civ. ۲^o, ۴ may ۱۹۹۸, JCP ۱۹۸۸, IV, p. ۲۳۸- Bull. Civ. II, n^o ۴۹) ۱۹۹۳ ثانیاً حالت اجمال سبب را نباید با حالتی اشتباه کرد که در اثر اشتراک چندین سبب معلوم و معین، خواه میزان سببیت آنها مساوی باشد و خواه یکی مباشر (سبب مستقیم و نزدیک) و بقیه مسبب (سبب با واسطه) باشند، خسارتی به بار می آید، که در این حالات مشابه، تردیدی در نحوه و میزان مسوولیت اسباب متعدد وجود ندارد. البته بعضی وقت ها، باز شناختن اجمال سبب از حالت های مشابه مسکله تر می شود. در دعوائی، این قضیه مطرح بوده که ظرفیت آسانسوری چهار نفر بوده و خواندگان شش نفره سوار می شوند و آسانسور را خراب می کنند. دیوانعالی فرانسه، دعوا را تابع حالت اجمال سبب می داند و بر مسوولیت

تضامنی همه آن شش نفر حکم می کند. (Le Tourneau et Cadiet, ۲۰۰۲, n° ۴۰ et ۱۷۲۴) اما در صحت تشخیص دیوانعالی تردید وجود دارد. زیرا تأمل بیشتر نشان می دهد که سبب به هیچ وجه مجمل نیست و خراب شدن آسانسور نه معلول خطای یک از آنها، بلکه نتیجه دقت نکردن همه آنان بر ظرفیت آسانسور است و به نوعی باید گفت که حالت اجتماع اسباب و یا مرکب بودن آنها صحت دارد. نتیجه بحث نیز در نحوه مسوولیت اعضاء گروه ظاهر می شود. بدین معنی که اگر دادگاه قضیه را تابع حالت اجمال سبب نداند، اولاً سبب زیان به طور دقیق و واقعی تعیین می شود و نه اجمالی و مردد. ثانیاً در صورت تعدد اسباب، مسوولیت آنها دیگر نه تضامنی بلکه مشترک و به نسبت خواهد بود.

ب. استثنایی و چاره آخر بودن مسوولیت اسباب مجمل

مسوولیت مدنی اسباب مجمل بیشتر تجویز انصاف است و منطق حقوقی آن را به سختی قبول می کند. بدان خاطر باید از آن به مسوولیتی استثنایی و ثانوی یاد کرد که راهی دیگر بر توجیه مسوولیت و جبران خسارت قربانی باقی نماند. (Le Tourneau et Cadiet, préc, n° ۱۷۲۵) پس اگر بتوانیم در بین اعضاء گروه شخصی را پیدا کنیم که نقش مؤثرتری داشته و خطایش پر رنگ تر از بقیه بوده، باید به جای مسوولیت تضامنی همه اعضاء گروه به مسوولیت شخصی او حکم کنیم. دیوانعالی فرانسه در این باره معتقد است که «شرکت و حضور مؤثر یک کودک در مراحل مختلف بازی کافی است که او را از بقیه جدا کنیم و خسارت را معلول نقش مثبت و مؤثر او بدانیم و نه اثر بقیه اعضاء.» (Cass. ۲e civ., 1er avr. ۱۹۹۸) آری، گریز از مسوولیت استثنایی اسباب مجمل زمانی راحت تر است که شخصی را بتوان به عنوان مسوول و سرپرست گروه معرفی کرد و علیه او بر مبنای مسوولیت ناشی از فعل غیر

طرح نمود. پس اگر زبانی به سبب فعل خطا آمیز یکی از چند کارگر ساختمانی به همسایه وارد شود و معلوم نباشد که زیان معلول فعل کدام یک از آنان است، زیان دیده می تواند علیه کارفرمای آنان طرح دعوا کند. (ماده ۱۲ قانون مسوولیت مدنی) یا اگر معلوم نشود که ورود خسارت مسبب خطای کدام یک از کارمندان اداره است، می توان بر مسوولیت مدنی خود اداره متمسک شد. (ماده ۱۱ ق.م.م.) یا به هنگامی که خواننده سبب خسارت خود را در گروه فرزندان می یابد ولی نمی تواند به تفصیل مشخص کند، می تواند علیه پدر آنان اقامه دعوا کند. (ماده ۷ ق.م.م.) همچنین اگر تیر یکی از چند شکارچی به شخصی آسب رساند و او نتواند ثابت کند که قربانی شلیک کدام یک از آنان است، می تواند بر مسوولیت شخص مرتبی که به آنها آموزش می داده و یا انجمن شکار که آن اردو را برپا کرده بوده، متمسک شود. (Viney et Jourdain, ۱۹۹۵, n° ۳۷۵ et ۸۰۷) مطابق بیشتر با اصول حقوقی و تبعاً تقدم مسوولیت ناشی از فعل غیر بر مسوولیت تضامنی اسباب مجمل، از استدلال دیوانعالی فرانسه نیز استنباط می شود: کودکی جهت آشنایی و ممارست شکار به گروهی سپرده می شود. ولی از بخت بد تیری از ناحیه یکی از آنان که مشخص نبوده کدام یک می باشد، بدان کودک اصابت می کند. والدینش بر مبنای مسوولیت تضامنی اعضای گروه علیه آنان طرح دعوا می کنند ولی دادگاه از قبول این نوع مسوولیت ابا می کند. والدین از رأی فرجام خواهی می کنند و شعبه دوم دیوانعالی رأی دادگاه را با این استدلال نقض می کند که «گرچه دادگاه بر مسوولیت تضامنی آن اسباب مجمل (اعضاء گروه) قانع نشده، باید این احتمال را می آزموده که آیا خوانندگان هیچ تقصیری را در اعمال مراقبت و سرپرستی جمعی نسبت به کودک مرتکب نشده اند.» (Civ. ۲^e ۱۸ may ۱۹۹۵, JCP ۱۹۹۵, II, n. ۸۷۹۳, note

(Paul Esmein) پرونده به شعبه هم عرض ارجاع می شود و این شعبه در راستای استدلال دیوانعالی به این یقین دست می یابد که خواندگان بر مبنای تقصیر در سرپرستی و نظارت مسوولیت دارند. (TGI Bourges, ۵ fevr. ۱۹۵۷, Dalloz (۱۹۵۷, p. ۳۳۰)

بند دوم. شیوه دفع اجمال اسباب

حقوقدانان و رویه قضائی فرانسه با سه توجیه متفاوت، اجمال اسباب معلوم ولی غیر معین را زدوده‌اند تا راه بر اعمال قواعد مسوولیت و جبران خسارت قربانی باز شود. به ترتیب هر یک از این سه توجیه را بیان می‌کنیم.

الف. اعتقاد بر شخصیت حقوقی گروه

به زعم اکثر نویسندگان فرانسه مسوولیت مدنی اسباب مجمل بدین صورت قابل توجیه است که بر گروه آنان که همانا دارای هدف و انسجام خاص است، شخصیت حقوقی قائل بشویم و تبعاً بر مسوولیت مدنی آن شخص حقوقی (خود گروه) حکم نماییم. (Aberkane, ۱۹۵۸, p. ۵۱۶; Carbannier, ۲۰۰۰, n. ۲۱۸; Soubiran, ۱۹۷۶, n. ۲۸۳۰, Viney et Jourdain, pre'c. n° ۳۸۰)

گرایان در حقیقت شخصیت حقوقی گروه تردید دارند و معتقدند که شخصیت شرکت و مؤسسات خلق شده با تجویز قانون نیز فرضی و اعتباری می‌پندارند. از نظر اینان دادگاه نمی‌تواند به گروهی شخصیت دهد که به طور موقتی شکل گرفته است و هدفی بالاتر و متمایزتر از هدف اعضایش ندارد. (Le Tourneau et Cadiet, pre'c., n° ۱۷۲۶) ولی حقوقدانانی که اصالت اجتماع را باور دارند، بر این پندارند که گروهی همچون جمع شکارچیان یا تیم پزشکان از دید جامعه شناسی

وجود حقیقی^۱ دارند و حقوق هرگز نمی تواند آن وجود را منکر شود. وظیفه حقوق همانا به رسمیت شناختن و اعلام موجودی است که خود وجود دارد. (Vine'y et Jourdain, pre'c., p. ۳۱۱ - کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص. ۴۷۷.)

از این توجیه هم ستایش کرده اند و هم انتقاد. وینی استاد مسوولیت مدنی فرانسه، حسن شخصیت قائل شدن بر گروه اسباب مجمل را در این می داند که حدود این نوع مسوولیت را کاهش می دهد و نه گروههای اتفاقی بلکه صرفاً گروههایی را در بر می گیرد که دارای انسجام، هدف و سازمان مشخص می باشند. اما ایراد این توجیه در این است که اگر ما واقعاً به شخصیت حقوقی گروه معتقد باشیم، باید در حالتی نیز به قربانی حق توسل به مسوولیت خود گروه را اعطا کنیم که سبب بین اعضاء آن گروه شناخته شده است. ولی قربانی به دلائلی همچون ناتوانی آن عضو معلوم در جبران خسارت، می خواهد به مسوولیت خود گروه متمسک شود، در حالیکه رویه قضائی هرگز این حق را بر قربانی اعطا نمی کند. (Vine'y et Jourdain, pre'c.)

آری، نکته اساسی در این توجیه این است که اجتماع اسباب مجمل و قرانت اعمال آنها بر همدیگر نباید اتفاقی باشد. بلکه آنان باید از جمعی و مشترک بودن اقدام همدیگر مطلع باشند. دیوانعالی فرانسه گرچه به دفعات، بر مسوولیت تضامنی تمامی مراکز درمانی حکم کرده که قربانی در آنها بستری شده و یا از آنها خون دریافت نموده و به سبب آلوده بودن خون و یا تجهیزات یکی از آن مراکز که معلوم نبوده کدام یک می باشد، به بیماری هموفیلی مبتلا شده است. (Laude, ۱۹۹۹, p. ۸۹۰) Jourdain, ۲۰۰۱, p. ۵; ولی در یک مورد که قربانی به طور پی در پی از

^۱. Realite' sociologique

سه مرکز انتقال خون، خون دریافت کرده و متعاقب آن دریافت ها به هیاتیت C مبتلا شده بود، خواسته اش مبنی بر مسوولیت تضامنی آن سه مرکز از سوی دیوانعالی رد می شود. (Civ. ۲e, ۱۸ mars ۲۰۰۰, JCP ۲۰۰۰, I., p. ۲۴۱, obs. G. Viney) این رأی دیوانعالی به گونه های مختلف توجیه و نقد می شود. در یکی از این نقدها، پاتریس روردن می نویسد: «در آراء پیشین، دیوانعالی بدین جهت مسوولیت تضامنی تمامی مراکز درمانی را تأیید می کرد که آن مراکز به طور گروهی و یا به اطلاع از اهداف همدیگر فعالیت می کردند و دیوانعالی همچون جمع شکارچیان و یا ورزشکاران بر گروه آنان شخصیت عملی قائل می شد. در حالیکه در این رأی اخیر هیچ «عمل مشترکی» که حاکی از وحدت باشد، بین آن مراکز درمانی اعطا کننده خون مشاهده نمی شود و آنان به طور مستقل و جدا به قربانی خون داده اند.» (RTD civ. Juillet/ septembre ۲۰۰۰, p. ۵۵۷)

ب. اعتقاد به خطای مؤثر اعضای غیر سبب گروه

در سال ۱۹۶۴ دادگاه Riom برای توجیه مسوولیت تضامنی دو شکارچی که معلوم نبود شلیک خطاآمیز کدام یک از آنان به قربانی اصابت کرده، چنین استدلال نمود که «خواندگان دو خطای مرتبط را مرتکب شده اند که یکی از آن دو خطا خسارت را وارد کرده و دیگری معلوم نشدن دقیق خاستگاه خسارت را موجب شده است.» (Riom, ۵ fe'vr. ۱۹۶۴, JCP ۱۹۶۴, II, n° ۱۳۶۴۰, note P. Esmein) یکی از نویسندگان حقوقی فرانسه از این رأی الهام گرفت و توجیه دیگری را بر مسوولیت تضامنی اسباب مجمل ارائه کرد. به زعم او در این باره تردیدی نیست که از بین اعضاء، صرفاً یکی از آنان سبب زیان است. اما خطای اعضاء دیگر نیز بی تاثیر نیست: گلوله هایی که سبب خسارت نبوده اند، بدین جهت باید در حکم

سبب تلقی شوند که «آنان در کم اثر شدن دلایل اثبات سببیت نقش داشته اند. چندانکه در صورت هم زمان نشدن شلیک آنان با سبب واقعی حادثه، قربانی در تعیین سبب دقیق زیان موفق می شد. به عبارت دیگر هر شکارچی مسبب عملی است که آن عمل قاطع نبودن دلایل اثبات را موجب شده و مجموع آن اعمال بر بی اثر گشتن مطلق آن ادله منجر شده است.» (Postacioglu, ۱۹۶۴, p. ۴۳۸, raconte'par Viney et Jourdain, n° ۳۸۰) پس وجه اصلی مسوولیت تضامنی اسباب مجمل عبارت است از مشارکت خطاآمیز آنان در بی اثر شدن دلایل اثبات.

باید گفت که صحت این توجیه نیاز به تأمل دارد. زیرا مشارکت در بی اثر شدن یا کم شدن کارائی دلایل اثبات حتی اگر خطاکارانه هم باشد، هرگز نمی تواند موجب مسوولیت گردد. باید بین خطا و خسارت وارده رابطه سببیت باشد و به قول کاردوزو «خطا در آسمان سبب مسوولیت در زمین نمی شود» (Fleming, ۱۹۸۵, p. ۳۷) و باید نوعی ارتباط معقول بین خطا و مسوولیت وجود داشته باشد. همانا سبب واقعی زیان است که باید بدین علت مأخوذ شود. زیرا از یک طرف خسارتی را موجب شده است و از طرف دیگر شلیک خطاآمیز خود را با دیگران مقارن نموده و مخفی نگه داشته است. آری، اگر قرار است که مسوولیت مدنی بر عدالت ترمیمی چندان وقعی ننهد (بادینی، ۱۳۸۴، ص.) و هدف اصلی خود را کیفر خصوصی خطاکار و به تبع آن جبران زیان قربانی قرار دهد، این توجیه محملی پیدا کند.

ج. اعتقاد به ارتباط بحث با قواعد اثبات

برخی حقوقی معتقدند که دو توجیه پیشین با رویه قضائی همخوانی کامل ندارد. (کاتوزیان، همان؛ وینی و ژوردن، همان^۱) به زعم ایشان قبول مسوولیت تضامنی اسباب مجمل به نوعی نتیجه اعمال منصفانه قواعد اثبات می باشد. بدین توضیح که طبق قاعده بر عهده مدعی است که نه تنها ورود زیان و رفتار زیانبار را، بلکه وجود رابطه سببیت بین آن دو را به طور قطعی و معین ثابت کند. (کاتوزیان، همان، ش. ۲۰۸، کاتوزیان، ۱۳۸۳، ش. ۳۹، وینی و ژوردن، همان، ش. ۳۶۹) متنها برخی وقت-ها زیان دیده تا آنجا می تواند پیش رود که انتساب زیان بر گروهی معلوم را ثابت کند. ولی دیگر نمی تواند نشان دهد که کدامین عضو سبب واقعی زیان بوده است و البته محکوم کردن او بدین بهانه که نتوانسته جایگاه واقعی زیان را تعیین کند، و تبعاً احتمال سببیت اعضاء دیگر نیز وجود دارد، با انصاف و عدالت همخوانی ندارد. از طرف دیگر می دانیم که دادگاه هر وقت که احساس ضرورت کند، از اختیاری که قانون برایش در خلق اماره‌های قضائی اعطا کرده، استفاده می کند. (ماده ۱۳۲۴ ق.م.) (Brun, ۱۹۹۳, p. ۹۰ et sui.) پس وقتی که قربانی سبب زیان خود را داخل گروهی معلوم نشان می دهد، دادگاه با توسل بر قناعتی که از قرائن برایش حاصل می شود (اماره قضائی)، آن اندازه اثبات را کافی تلقی می کند و بدین اندیشه مایل می شود که تعیین دقیق سبب زیان دیگر بر عهده خود اعضا گروه است. یعنی اگر آنان می خواهند از این سببیت اجمالی رهایی یابند، یا باید ثابت کنند که هرگز نمی توانسته اند سبب زیان باشند و یا ثابت کنند که شخص دیگر سبب زیان بوده است.

^۱. Aussi: N. Dejean de la Batie, note au JCP ۱۹۹۸. II, ۱۹۷۷۳, - G. Durry, observation a la RTD civ., ۱۹۸۴, p. ۳۱۶

بعضی از آراء دیوانعالی فرانسه را نیز صرفاً با این استدلال می توان توجیه کرد. به عنوان مثال در دعوایی که یکی از دو سگ قربانی را گاز می گیرد و معلوم نمی شود که کدام بوده، دیوان مذکور بدون توسل به مبانی یا توجیحات دیگر از قبیل مسوولیت ناشی از حفاظت جمعی، مستقیماً سراع اماره سببیت را می گیرد، با این عبارت که: «به سبب فعل مشترک دو سگ، اماره سببیت بر عهده هر یک از مالکین آنها تحمیل می شود.» (Cass. Civ. ۲e, ۱۴ dec. ۱۹۸۳, JCP ۱۹۸۴, p. ۱۴۰ obs. Chabas)

بند سوم. مبانی مسوولیت اسباب مجمل

رویه قضائی فرانسه به خصوص به هنگامی که اجمال اسباب مجمل را از طریق شخصیت حقوقی قائل شدن به آنها دفع می کند، دو چهره جدید از مبانی مرسوم مسوولیت مدنی را به کار می گیرد. بدین معنی که اگر خواهان بر مبنای خطا علیه گروه طرح دعوا کرده باشد، (ماده ۱۳۸۲ ق.م. فرانسه و ماده ۱ قانون مسوولیت مدنی ایران)، رویه قضائی نه خطای هر یک از اعضاء گروه، بلکه خطای جمعی آنان را مبنای مسوولیت قرار می دهد، و اگر خواهان بر مبنای مسوولیت ناشی از فعل اشیاء (مسوولیت ناشی از حفاظت شیء) علیه گروه اقامه دعوا کند، رویه قضائی بر مبنای حفاظت جمعی علیه گروه حکم می کند. به ترتیب هر یک از این دو چهره جدید مبانی مسوولیت را مطالعه می کنیم.

الف. خطای جمعی یا مشترک^۱

^۱ La Faute collective ou commune

در برخی از آراء فرانسوی، از اصطلاح «Faute connexe» نیز استفاده شده است که نباید این را مترادف خطای جمعی داشت بلکه باید به معنای خطاهای مرتبط در نظر گرفت که دادرس خطای تک تک اعضاء را مد نظر دارد و نه خطای جمع آنان را.

خطای جمعی را نباید با اجتماع چندین خطای مستقل همچون حالت اشتراکت چندین سبب در ورود زبانی واحد مختلط کرد. «همانطور که یک گل حاصل اجتماع چندین گلبرگ نیست، خطای جمعی مد نظر ما نیز محصول انباشته شدن خطای اشخاص دخیل در آن فعالیت نیست. بلکه عبارت است از خطای خاص منتسب به نفس گروه از آن دید که وجود دارد.» (Le Tourneau et Cadiet, préc. n° ۱۷۲۴) محکوم نمودن گروه خواندگان بر مبنای خطای جمعی بیشتر در دعای مربوط به خسارت وارده به سبب گروه شکارچیان صورت می‌گیرد. البته بدیهی است که اگر یکی از اعضاء گروه ثابت کند که خطای او مدخلیتی در ورود زیان نداشته (Civ. ۲e ۱۸ nov. ۱۹۸۷, Bull. Civ., II, n° ۲۳۷) یا اصلاً او در آن خطا شرکت نداشته، از مسوولیت بری خواهد شد. (Soc., ۳۰ janv. ۱۹۹۱, Bull. Civ. V. n° ۴۰)

ب. محافظت جمعی یا مشترک^۲

رویه قضائی فرانسه به هنگامی که احساس کرد تقصیر به عنوان مبنای مسوولیت مدنی، همیشه نمی‌تواند مجوز جبران زیان ناروای قربانی گردد، به او اجازه داد که از ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی آن کشور دست بکشد و سراغ ماده ۱۳۸۳ آن قانون را بگیرد زیرا ماده اخیر صرف دارا بودن عنوان محافظ شیء یا حیوان را دلیل مسوولیت می‌داند و بر تقصیر یا عدم آن وقعی نمی‌نهد. (Veaux – Fournierie et Veaux, ۲۰۰۲, n° ۵۱) این مبنای محض مسوولیت، در زمینه اسباب مجمل نیز

^۱ CA Bordeaux ۱۳ oct. ۱۹۳۶ – Civ. ۲۹ sept. ۱۹۴۱ et Civ. ۵ Juin. ۱۹۵۷ – et relative a' la responsabilite' Solidaire des Administrateurs des socie't'es anonyms: Com., ۲۹ Janv.

۱۹۵۳ (cite' par viney et Jourdan, pre'c., n° ۳۷۸, p. ۲۰۷)

^۲ La garde collective on commune

به کار گرفته شد. بدین توضیح که به خصوص در رابطه با انتساب زیان قربانی بر گروه شکارچیان، رویه قضائی جمع آنان را محافظ سلاح‌ها تلقی کرده و ورود زیان از ناحیه شلیک یکی از آنان را دلیل نقض محافظت و تبعاً مسوولیت تضامنی آنان دانسته است. (Le Tourneaut et Cadiet, préc. n° ۱۷۳۰) برخی از آراء نیز گلوله‌های شلیک شده از سوی شکارچیان را در حکم خط آتش واحد تلقی کرده است که همه شکارچیان محافظ آن خط آتش بوده‌اند و محافظت خود را به جای نیاورده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ش. ۲۱۰، لوتورنو و کدیه، همان شماره) البته باید گفت در این مبنا نیز، علیه خواندگان حکمی بیش از اماره سببیت تحمیل نمی‌شود و بدان جهت اگر یکی از شکارچی‌ها ثابت کند که تفنگ او در آن لحظه شلیک‌گیر کرده بوده یا کالیبر گلوله‌ای که به قربانی اصابت کرده با کالیبر گلوله تفنگ او متفاوت است، از مسوولیت بری خواهد بود. (Cass. ۲e civ., ۵ Fevr. ۱۹۶۰ et ۲ fevr. ۱۹۶۶ – CA Lyon, ۳ avr. ۱۹۸۰)

گفتار سوم. حقوق ایالات متحده آمریکا

بند اول. حالت محصور بودن گروه

اجمال سبب به مفهومی که بحث شد، یعنی یقین بر تعلق سبب به گروهی محصور، در حقوق آمریکا نیز سابقه دارد. در قضیه Summers ۱ به سال ۱۹۴۸ خواهان بعلت اصابت تیر ناشی از شلیک تقصیرآمیز دو شکارچی، جان خود را از دست داد. اینکه فوت خواهان، مسبب شلیک این دو شکارچی بوده، برای دادگاه متیقن بود، ولی اجمال در این بود که تیر کدام یک از شکارچی‌ها اصابت کرده است. به نظر دادگاه «بهنگامی که عمل دو یا چند شخص تقصیرآمیز است، و نیز این امر

^۱ Summers v. Tice (۱۹۸۴) -

محرز است که ضرر توسط احد آن اشخاص وارد شده است ولی اینکه اقدام تقصیرآمیز کدام یک از آنها سبب ضرر است، مبهم باشد، بار اثبات دعوا به عهده هر یک از آنها منقلب می شود تا ثابت کند که عمل او سبب ضرر نبوده است.^۱ در نهایت به تبع عجز خواندگان از اثبات سبب نبودنشان، قاضی آمریکائی، نه مثل مقنن ما راه کور عدالت، بلکه مسوولیت تضامنی خواندگان را اعمال کرد خسارت را بین آنها تقسیم نمود. (Noel and Phillips, ۱۹۸۲, p. Porat and Stein, p. ۱۶۲) ۵۷۵;

قاعده مذکور در Summers، به منحصر بودن بودن گروه مقید است. با این حال محاکم ایالات متحده، سعه صدر نشان داده و آن را بهنگامی نیز که سببیت عامل دیگر خارج از گروه محتمل بوده، اعمال کرده اند. در دعوی Anderson^۱ سوزن جراحی در ستون فقرات بیمار شکست و در همانجا نیز ماندگار شد. دادگاه هم جراح را که سوزن را بکار برده بود و هم بیمارستان را که از آن سوزن قبلاً نیز استفاده کرده بود، و هم تولید کننده و هم شرکت توزیع کننده را که سوزن را در اختیار بیمارستان قرار داده بودند، مسوول شناخت و از آنها خواست که برای اثبات بی تقصیری خود دلیل بیاورند و چون موفق نشدند، به مسوولیت تضامنی همه آنها حکم نمود. (Henderson, ۲۰۰۰, p. ۳۰)

بند دوم. حالت غیر محصور بودن گروه

تحول حقوق آمریکا زمانی شروع شد که محاکم در دعاوی مربوط به عیب تولید با اجمال سبب روبرو شدند. در این عرصه نو ظهور از مسوولیت مدنی عدم تعیین سبب می تواند از دو جهت باشد: یکی اینکه در تولید محصولی واحد چندین

^۱. Anderson v. sambery (۱۹۷۵)

شخص دخالت داشته باشند، بطوریکه بهنگام معیب بودن، نمی‌توان فهمید که عیب در کدامین مرحله تولید و یا ناشی از کدامین قطعه محصول است تا علیه متصدی آن مرحله یا تولیدکننده آن قطعه طرح دعوا کرد. دومین عامل ابهام، این است که تولیدکنندگان متعددی به طور جداگانه و مستقل کالای واحدی را تولید و به بازار عرضه کنند و شخصی به سبب مصرف یکی از آن کالاها آسیب ببیند و نداند که محصول کدام تولیدکننده را مصرف کرده است. خصوصاً عامل دوم ابهام هسته این تفکر را در ذهن حقوقدانان کاشت که به هنگام مجمل بودن سبب، درصدد حمایت از مصرف‌کنندگان برآیند. آنچه از سیر راه حل‌ها در بستر زمان درک می‌شود این است که مسوولیت به تدریج بر سببیت در ایجاد خطر مبتنی می‌شود و نقش سنتی سبب به طوریکه اثرش در ایجاد ضرر معین و بالفعل باشد، بنوعی کم رنگ می‌شود. دادگاههای آمریکا برای توجیه مسوولیت (تضامنی) گروه غیر محصور خوانندگان استدلالهای متفاوتی کرده‌اند که آنها را مرور می‌کنیم.

الف. مسوولیت سازمانی^۱

خلق این تئوری به سال ۱۹۷۲ و قضیه Hall^۲ ۲ برمی‌گردد. شرکتهای محدودی تحت استانداردهای صنعتی لازم الرعایه، کپسول گاز تولید می‌کردند، بعلت انفجار یکی از کپسول‌ها به چندین شخص آسیب وارد شد. ولی آنان نتوانستند ثابت کنند که کپسول مورد نظر را کدامین شرکت تولید کرده است. اما در نظر دادگاه «این امر که کدام یک از خوانندگان تولید کننده کپسول است، مهم نیست. مهم این است که همه آنها، به کنترل خطر این محصول، آن هم با شرایط و استاندارد واحدی، مؤظف

^۱ enterprise Liability or, industry wide Liability !!!-
^۲ Hall v. E. I Du Pont Du Nemours (۱۹۷۲)

بوده‌اند. وقتی زیانی به کسی می‌رسد، معنایی جزء این ندارد که کل آن صنعت دست به عمل خطرناک زده است.» (Noel, op. cit.p. ۵۴۳)

تفاوت مسوولیت سازمانی با مسوولیت سنتی مذکور در این است که در اینجا، اولاً تعدد خوانندگان بیشتر است ثانیاً انحصار آنها نیز یقینی نیست. چه بسا که شرکتی دیگر، بدون رعایت استاندارد لازم یا بدون عضویت در آن استاندارد، آن کپسول را تولید کرده باشد. نتیجه مسوولیت جمعی در این حالت ولو ناخود آگاه، جانشین شدن خطر برای سبب است. از مسوولیت مدنی خواسته می‌شود که تعصب دیرین خود بر نقش بالفعل و عینی سبب را رها سازد و در دنیای کنونی که خطر های ناشناخته زیادی انسان را تهدید می‌کند ایجاد خطر ناروا را به عنوان شرط تحقق مسوولیت قبول کند. منتها این انتظار آن هم صرفاً در برخی زمینه‌ها، نه تنها به گذر زمان که به تحول اندیشه‌ها و حصول برخی شرایط نیز نیاز دارد که آنها را مطالعه می‌کنیم.

ب. مسوولت مبتنی بر مشارکت در بازار ۱

این تئوری در سال ۱۹۸۰ توسط دادگاه عالی کالیفرنیا در قضیه Sindell ۲ مطرح شد. در این قضیه، رأی Summers چنین اصلاح شد که «همه خوانندگان به نسبت مشارکتشان در تولید و عرضه محصول به بازار مسوول تلقی شوند و خسارت بین آنها به نسبت مذکور تسهیم شود.» (Porat and Stein, ۲۰۰۱, p.۱۳۵) ولی

^۱ - market share liability

!!!!!!

^۲ - Sindell v. abbott Laboratories (۱۹۸۰)

!!!

باید گفت که کمال این تئوری به سال ۱۹۸۴ در قضیه Collins^۱ اتفاق افتاد. در این قضیه، خانمی هفده ساله متوجه شد که به سرطان مبتلا شده است آزمایش و تشخیص‌های پزشکی از این حقیقت پرده برداشت که سرطان او معلول قرصی موسوم به Des است که مادرش هجده سال پیش مصرف کرده بود. مادر خواهان نیز بعد از گذشتن هجده سال، فقط همین را به خاطر می‌آورد که قرص‌هایی به رنگ سفید و کوچکتر از آسپرین را که به Des را معروف بود، مصرف کرده است. تحقیقات نشان داد که مادر خواهان قرص‌های ۲۵ میلی‌گرمی Des را مصرف کرده است. باید خاطر نشان کرد که بهنگام مصرفِ مادرِ خواهان، حدود صد شرکت، در ایالات متحده آمریکا، مشغول تولید قرص Des در اندازه ۲۵ میلی‌گرم بودند. و البته در طول این هجده سال، تعداد شرکت‌ها یا شخصیت آنها ثابت نمانده است. بطوریکه بهنگام اقامه دعوی (سال ۱۹۸۴) علی‌رغم تحدید موارد مصرف Des از طرف اداره غذا و داروی فدرال، یازده شرکت بر آن فعالیت باقی بودند. خواهان علیه چند تن از آنان شکایت کرد و قاضی نیز خواندگان را به جلب دیگر تولیدکنندگان مجاز کرد. دادگاه تمامی تئوری‌های پیشین را بر روی این قضیه آزمایش کرد و این چنین به عدم کارائی آنها قانع شد که همه آنها بر منحصر بودن گروه خواندگان مبتنی است. در حالیکه در ما نحن فیه، تا حالا سیصد شرکت به تولید Des پرداخته و از آنها یازده شرکت باقی است. از کجا معلوم که خواهان محصول یکی از شرکت‌های منحل شده را مصرف نکرده است. این دادگاه Collins، به ضعف قواعد و راه حل‌های موجود پی برده بود و چاره‌ای در توسل به مصلحت نداشت. بزعم او لزوم حمایت از

^۱ Collins v. Eli Lilly Company (۱۹۸۴)

مصرف‌کنندگان را نباید هم سطح ایرادهای وارد شده به منطق حقوق تلقی کرد. تولیدکنندگان جهت تحصیل نفع، اقدام به خطر کرده و جامعه را با خطر مواجه ساخته‌اند. خانم Collins نیز بعنوان عضو جامعه از این خطر متضرر شده است. البته رعایت عدالت در جانب تولیدکنندگان نیز ضروری است؛ آنها نه در مقابل همه ضرر، بلکه به نسبت میزان تولیدشان و تبعاً میزان خطری که ایجاد کرده‌اند، مسوول خواهند بود. تحمّل این میزان از مسوولیت نیز برایشان سخت نخواهد بود زیرا می‌توانند مسوولیت خود را بیمه کرده و هزینه بیمه را بعنوان هزینه پروسه تولید بین تمام مصرف‌کنندگان توزیع کنند. (Henderson, ۲۰۰۰, p. ۱۷۹-۱۸۸)

در رابطه با این تئوری دو سال به ذهن خطور می‌کند. سوال اول این است که منظور از بازار چیست و آن را به چه ملاکی باید تعیین کرد. در اوایل خلق این تئوری، محاکم کل ایالات متحده را بازار تلقی می‌کردند، خصوصاً محاکم کالیفرنیا که در این امر پیش قدم بودند و بازار ملی مدنظر نظرشان بود و نه بازار محلی (ایالت کالیفرنیا). (Henderson, op.cit, p. ۱۹۰) از این رویه چنین انتقاد کرده اند که مگر مبنای این تئوری و ریشه آن در آراء Summers و Sindell نیست، مگر تعداد خوانندگان در این دو رأی محدود و معین نبود. باید تلاش کرد که تا حد ممکن بازار محدود شود تا به واقعیت نزدیکتر شویم. زیرا هر چه بازار محدودتر باشد، احتمال تحمیل مسوولیت بر شرکتی که فی‌الواقع آن بازار را تأمین کرده است؛ بیشتر خواهد بود. (Conley v. Boyle Drug Co.)

سوال دوم نیز این است که آیا خواننده می‌تواند با اثبات این امر که خواهان فراورده او را مصرف نکرده است، از مسوولیت بری شود. مثبت بودن جواب، بدیهی بنظر می‌رسد. بدین دلیل که اولاً ریشه این تئوری در دو رأی Summers و

Sindell است که در آن دو خواندگاه حق داشتند با اثبات سبب نبودن عمل خطائی خود (مثل تیراندازی) از مسوولیت بری گردند. ثانیاً، تحمیل بار اثبات دعوا به خواندگان بر این اماره (قضائی) مبتنی است که عمل خطائی آنها سبب ضرر بوده است. لذا خواندگان می‌توانند با اثبات خلاف اماره مذکور، از مسوولیت رهایی یابند. ولی از طرف دیگر می‌توان گفت که مثبت بودن جواب سوال، خلاف فلسفه «مسوولیت مبتنی بر مشارکت در بازار» می‌باشد. هنگامی که شرط مسوولیت تولید کننده، خطری است که او برای جامعه ایجاد کرده است، اثبات عدم سببیت نمی‌تواند تأثیری بگذارد. (Porat and Stein, ۲۰۰۱, p.۱۵۹) از رای collins چنین برداشت می‌شود که خواهان می‌تواند با اثبات سبب نبودن تولید خویش از مسوولیت بری شود. اما در رای مشابه دیگر یعنی Hymowitz^۱ که موضوع این نیز داروی Des بود، دادگاه بر ذی اثر بودن اثبات مذکور اعتقادی نداشت. این آراء سر آغاز اندیشه های جدید درباره نقش رابطه سببیت است که به آنها می‌پردازیم.

بند سوم. تحلیل رویه قضائی آمریکا در زمینه اجمال سبب

ذکر شد که دادرس دعوی Hynowitz بر خلاف دعوی Collins، بر اثبات این امر از سوی چند تن از خواندگان که محصول آنها هرگز نمی‌توانسته سبب خسارت خواهان باشد، اعتنا نکرد. پس علی‌رغم شایسته بودن این نسبت به دادگاه Collins که نوعی اماره قضائی سببیت را بر خواندگان تحمیل کرده است، رأی دادگاه Hymowitz را صرفاً بدین گونه می‌توان توجیه کرد که بر عهده خواندگان نه اماره قضایی سببیت، بلکه «فرض قانونی»^۲ سببیت تحمیل کرده است که

^۱ Hymowitz v. Eli Lilly Co. (۱۹۸۹)

^۲ در برخی نظام های حقوقی، رویه قضائی جهت حمایت بیشتر از زیان دیده، فرض را بر آگاهی خواننده از خطر فعالیت خویش می‌گذارد و اثبات خلاف این فرض را قبول نمی‌کند. همچون رأی دیوانعالی فرانسه که بر دادگاه ماهوی این

خلاف این فرض را نمی توان ثابت کرد. زیرا این یقین وجود دارد که صرفاً یکی از خوانندگان سبب واقعی زیان است و نه همه آنها. پس اینکه برخی از تحلیل گران حقوق آمریکا (Ripstein and Zipursky, ۲۰۰۲, p. ۲۶۶-۷) نهایت وفاداری خود بر عدالت ترمیمی را نشان می دهند و می خواهند رأیی همچون Hymowitz را از طریق توسل به ادله اثبات توجیه نمایند، درست نمی باشد. زیرا مسوولیت مدنی در مفهوم سنتی خویش که بر عدالت ترمیمی استوار است و وجود سببیت را ضروری می داند (بادینی، ۱۳۸۴، ص. ۹۴)، به ندرت شخصی را مسوول قلمداد می کند که سبب نبودن خطای خویش را ثابت می کند. در این باره به دو توجیه دیگر دست یافته ایم که آنها را مطالعه می کنیم.

الف. کفایت سببیت در ایجاد خطر

به زعم «کلمن» عدالت ترمیمی تاب تحمل این تحول را دارد که مشارکت در کار خطاآمیز جانشین لزوم رابطه سببیت گردد و گروه خطاکاران که اجمالاً در سبب بودنشان تردیدی نیست، سبب تلقی شوند و خسارت بین خود آنان به نسبت شرکتشان در ایجاد خطر تقسیم گردد و البته بر اصول مسوولیت مدنی نیز خللی وارد نیاید. (Coleman, ۱۹۹۲, p. ۴۰۴) به باور ایشان اولاً اخلاق مقتضی این مسوولیت می باشد؛ مبانی مستقل، اخلاقی و در عین حال مجبور کننده ای وجود دارد که حتی به هنگام نبود سببیت، ما را بر توزیع خسارت سوق می دهد. زیرا وفادار ماندن بر قواعد اثبات نوعی اجحاف به خواهان ها است و شماتت اخلاقی بس شدیدتر از

اختیار را قائل شده است که با لحاظ حرفه ای بودن تولید کننده دارو، اطلاع او از عیب دارو را همچون یک فرض (fiction) تلقی کند:

Cass. ۱^e civ., ۱۴ Fe'vr. ۱۹۹۰ (cite'par), De Tourdonnert, Responsabilite' de pharm-acient, Jusris - Classeur Periodique ۲۰۰۳, Fasc. ۴۲۲, n° ۳۳

مسوول دانستن خوانندگان دارد. ثانیاً، از منظر اقتصاد هزینه های هر فعالیتی باید درونی شود و از محیط مربوطه بیرون نجهد و آلا بین سود و هزینه تعادل برقرار نمی شود؛ این یقین وجود دارد که هزینه ای که در کسوت خسارت قربانیان ظاهر شده از تبعات فعالیت اقتصادی گروهی است که به اجمال می دانیم سبب خسارت در آن مجموعه قرار دارد. توزیع هزینه بین اعضای آن گروه، بدین دلیل که از محل سرمایه گذاری های در قبال خطرات غیر قابل پیش بینی قابل تأمین است، چنان ناروا نیست که بر محیط بیرون راه یابد و بر اشخاصی تحمیل گردد که هیچ عایدی در قبال تحمّل آن هزینه ها ندارند. (Op.cit. p. ۴۰۵)

منتقدین این توجیه اقتصادی را بدین شرط می پذیرند که اجتماع گروه اتفافی نباشد، بلکه در حد سازمانی باشند که بینشان ارتباط داخلی وجود دارد و صندوقی واحد بتواند آن هزینه هایی را که محلش دقیقاً مشخص نیست، باز توزیع کند و آن ارتباط داخلی به حدی باشد که در حین استقلال هر یک از اعضا، به خصوص از طریق توسل به احتمالات آماری، تحمیل بیشترین هزینه بر عضو یا اعضایی را که احتمال سبب بودنش بالا است، ممکن سازد. (Porat and Stein, ۲۰۰۳, p. ۶۹۵ & ۷۰۱) ولی تحلیل گران اقتصادی بر توجیه اخلاقی کلمن این ایراد را وارد می کنند که چرا خطائی که ارتباطش با ضرر ثابت نشده، مسوول تلقی می شود، آیا نه این است که رابطه سببیت به کل حذف می شود و مسوولیت مدنی به عنوان کیفر جلوه می کند؟ شاید کلمن خود نیز به این ایراد پی می برد، زیرا این مطلب را می افزاید که «تعهد به جبران خسرات از این تئوری بر نمی خیزد، بلکه راه

حل دادگاه در دعوی Hymowitz مصداقی از «طرح کلی بیمه اجتماعی»^۱ می باشد» (Coleman, p. ۴۰۹)

ب. خطر مرتبط جانشین رابطه سببیت

«شرودر» نه مثل کلمن به طور ضمنی بلکه به صراحت، مسوولیت اسباب مجمل در جبران خسارت انبوه را نوعی مسوولیت اداری یا طرح بیمه اجتماعی می داند. زیرا به زعم او در این دعاوی، شانس قابلیت رعایت دقیق قواعد مسوولیت را از بین می برد. او تحقق این نوع مسوولیت جدید را که دیگر با عدالت ترمیمی همخوانی کامل ندارد، در احراز سه شرط دانسته است: مسوولیت سازمانی به جای مسوولیت فردی، ارتباط ورود خسارت به خطای سازمانی و امکان تأمین مالی یا فاینانس داخلی. (Shroeder, ۱۹۹۰-۹۱, p. ۴۵۴; Shroeder, ۱۹۸۹-۹۰, p. ۱۵۳) به باور شرودر، تقصیر اعضاء سازمان از آن جهت که بر جامعه خطر می آفرینند و کل آن را تهدید می کند، موجب مسوولیت به نسبت به میزان تقصیر است، حتی اگر اصل اساسی مسوولیت مدنی یعنی ارتباط خطا با زیان وارده را که قاضی کاردوزو نیز تأکید نموده است^۳، زیر پا گذارد. البته پافشاری نیز می کند که تئوری او بر شرط «مرتبط بودن» خطا و مسوولیت نیز وفادار است. زیرا یکی از شرایط

^۱ General Social Insurance Scheme

^۲ البته شرودر در مقاله دوم خود، تا حدودی از تندی تئوری خویش می کاهد و از این اعتقاد قاطع خویش بر می گردد که مسوولیت مدنی به هنگام جبران خسارات وارده به سبب چندین شخص متعلق به یک صنعت یا فعالیت خاص، همچون حقوق اداری عمل می کند. (مقاله دوم، ص. ۱۶۰ و ۱۶۱)

^۳ Palsegraf v. long Island Rail Road (۱۹۲۸)

در این دعوا نگهبان قطاری، مسافری را هل می دهد و از دست مسافر بستهایی که حاوی مواد منفجره بوده، بر زمین افتاده، منفجر شده و موجب ورود ضرر به ثالثی می گردد. او علیه نگهبان طرح دعوا می کند. اما قاضی کاردوزو به جهت غیر مستقیم بودن خطای نگهبان و غیر قابل پیش بینی بودن محتوای نادر بسته، خواهان را محکوم می کند. با این استدلال معروف که: «Negligence in the air will not do.» در این باره جان فلمینگ نیز معتقد است که: «خط متضمن نوعی رابطه بین رفتار و نتیجه حاصل از آن رفتار است.»

Fleming, ۱۹۸۵, p. ۳۷

مسئولیت در طرح او عبارت است از قابلیت شناسائی افراد متعلق به سازمان و تبعاً امکان فاینانس داخلی، تا در تعلق همه خواندگان به سازمان واحد تردیدی باقی نماند و خسارت بر افرادی که ارتباط داخلی ندارند، توزیع نشود. (Shroeder, ۱۹۸۹, p. ۴۲۷)

اما منتقدین شرورد معتقدند که حتی اگر تعلق همه خواندگان به یک سازمان و ارتباط خسارت وارده بر سازمان آنان، جای شرط لزوم رابطه سببیت را بگیرد، طرح شرورد به ایرادی دیگر مبتلا است. زیرا موجب تبعیض بین اشخاص می شود که هر دو بر حسب شانس و اتفاق آسیب دیده اند که خسارت عده ای جبران، و از آن عده ای دیگر طرد می شود؛ آنان که به سببی غیر از رفتار خطاآمیز آسیب دیده اند، همچون قربانیان سیل و زلزله، صرفاً بدین دلیل بی جبران باقی می مانند که خسارتشان به تقصیری ظاهری منتسب نیست. از منظر این قربانیان، این متغیر که چند شخص به ظاهر خطاکار یافت شود یا نه، حالت های مختلف شانسی را می رساند که تفاوت گذاشتن بین این دو شانس، نوعی بی انصافی است. (Ripstein & Zipursky, ۲۰۰۲, p. ۲۲۹)

مع الفارق بودن قیاس فوق واضح است. زیرا به هنگام اجمال سبب این یقین وجود دارد که خسارت معلول خطای یکی از اعضاء گروه است و نه مسبب حادثه و اتفاق و آلا، اگر آن خطا نیز که اجمالاً برخاستن زیان از آن خطا متیقن است، ثابت نمی شد یا اصلاً اتفاق نمی افتاد، اعمال قواعد مسئولیت مدنی غیر ممکن می شد و خسارت بر سببی جز اتفاق محض منتسب نمی شد که همانا بیمه حوادث (طبیعی) از عهده آن بر می آمد و نه بیمه مسوولیت. در حالی که در طرح شرورد، خسارت بر فعالیت خطاکارانه خواندگان انتساب دارد و جبران آن بر صندوقی تحمیل می شود

که مسوولیت آنان را بیمه نموده است، که یقیناً درآمد آن دو صندوق از یک محل نیست؛ بیمه مسوولیت بیشتر از پرداخت خود مسوولان تغذیه می کند. ولی بیمه حوادث (طبیعی) اغلب از سوی دولت تأمین می گردد. (Shroeder, ۱۹۸۹-۹۰, p. ۴۲۸)

نتیجه گیری

از مطالعه سه نظام حقوقی این نتیجه را می توان به دست آورد که اولاً منطق حقوقی در قبول مسوولیت مدنی اسباب مجمل از تردید عاری نیست؛ وفاداری کامل بر قواعد مسوولیت مدنی این مانع را می تراشد که توفیق خواننده همانا در گرو تعیین دقیق سبب زیان است و نمی توان در سودای حمایت از قربانی، تکیه خوانندگان بر اصل برائت را نادیده گرفت. ولی ملاحظه شد که این اصول گرائی، به خصوص به هنگامی که در خطاکار بودن گروه خوانندگان تردیدی نیست، نتوانست در قبال قباحتی که انصاف و عدالت در محکومیت خواهان مشاهده می کرد، دوام بیاورد. شایسته است که حقوق ایران نیز تا قانونی وضع نشده، از تعصب خویش بر قداست قرعه و نیز بر تخییر حاصل از توسل به اصول عملیه (که در هر دو یکی از خوانندگان متعدد با شانس و اتفاق مسوول اعلام می شوند) دست بردارد و با اندیشه منصفانه و غالب هماهنگ شود و مسوولیت تضامنی و نهایتاً توزیعی اسباب مجمل را قبول کند. ثانیاً، در رابطه با حالیکه گروه خوانندگان منحصر نیست، به خصوص در رابطه با آنان که به دنبال سود هستند و خطر انتفاع خود را بر عده‌ای بی گناه تحمیل می کنند، رویه قضائی ایالات متحده نه تنها در فرو گذاشتن اصول سببیت تردید نمی کند، افراط نیز می کند و این ایده را بر مسوولیت مدنی دیکته می کند که مسوولیت دیگر

نه بر احراز سببیت بلکه باید بر ایجاد خطر مرتبط مبتنی باشد و خواندگان نمی توانند از اثبات سبب نبودنشان طرفی ببندند، بلکه باید به نسبت خطری که آفریده اند، در جبران خسارت قربانی مشارکت جویند. باید گفت که این تحول حقوق ایالات متحده درخور اقتصاد پویا و شکل گرفته آنها است و نباید بر اقتصاد در حال توسعه ایران توصیه شود. زیرا تولیدکنندگان ایران تاب تحمل همه خطرات تولید را ندارند. اقتصاد نوشکفته ایران، نه حذف رابطه سببیت، بلکه مسوولیت محض را نیز به ندرت تحمل می کند. پس با الهام از نظام های حقوقی دیگر به خصوص کشورهای اروپایی، باید گفت که اگر قانونگذار یا رویه قضائی ایران درصدد حمایت از مصرف کنندگان در قبال گروه حرفه ای ها باشد، باید صرفاً اماره سببیت خلق کند و بر اعضاء جامعه تولیدکنندگان رخصت دهد که با اثبات خلاف اماره مذکور از مسوولیت رهایی یابند.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. بادینی حسن، فلسفه مسوولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، سال ۱۳۸۴
۲. کاتوزیان ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول، مسوولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۷۸
۳. مسوولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۱
۴. اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، نشر میزان، چاپ اول، بهار سال ۱۳۸۳
۵. نعم مختار، مسوولیت مدنی ناشی از عرضه دارو و کالاهای بهداشتی، پایاننامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۴، به راهنمایی دکتر حسن جعفری تبار

ب) منابع فقهی

۱. تقریرات میرزانی نائینی، مؤسسه النشر الاسلامیه، جلد چهارم، قم، ۱۴۰۹ ه. قمری
۲. تکمله المنهاج، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، نشر مدینه العلم، قم، ۱۴۱۰ ه. قمری
۳. تنقیح الاصول، ضیاء الدین العراقی، المطبعة الحیدریه، نجف، سال ۱۳۷۱ ه. قمری
۴. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۲، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، سال ۱۳۶۷ شمسی

۵. دروس علم الاصول، دارالکتب اللبنانی، مکتبه المدرسه، جلد اول، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶ ه قمری
۶. شرح اصول المظفر، علی محمدی خراسانی، جلد ۴، انتشارات دارالفکر، چاپ چهارم، بهار ۱۳۷۶ ه شمسی
۷. شرح رسائل شیخ انصاری، علی محمدی خراسانی، جلد ۴، انتشارات دارالفکر، چاپ دوم، سال ۱۳۷۳ ه شمسی
۸. العبادات و المعاملات (المسائل المنتخبه)، السید علی الحسینی السیستانی، قم، المطبعه المهر، الطبعه الثانيه، ۱۴۱۴ ه قمری
۹. العناوین، سید میرعبدالفتاح الحسینی المراغی، جلد دوم، قم، مؤسسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، سال ۱۴۲۵ ه قمری
۱۰. قاعده القرعه، حسین الکریمی، انتشارات اعتماد، قم ۱۴۲۰ ه قمری
۱۱. القواعد الفقهیه، ناصر مکارم شیرازی، جلد ۲، انتشارات امیرالمؤمنین، سال ۱۴۱۱ ه قمری
۱۲. القواعد و الفوائد، شهید اول (محمد ابن مکی بن محمد)، ترجمه دکتر سید مهدی صانعی، جلد اول، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۲
۱۳. مبانی تکمله المنهاج، سید ابوالقاسم خوئی، الجزء الثاني، الطبعه الثانيه، قم، سال ۱۳۹۶ ه قمری
۱۴. مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشادالاذهان، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۴۰۳ ه قمری
۱۵. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، زینالدین بن علی بن احمد عاملی (شهید ثانی)، مؤسسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ه قمری

۱۶. معالم الجديده للاصول، جلد اول، الطبعه الثانيه، مطبعه النعمان، النجف

الاشرف، سنه ۱۴۱

ج) منابع فرانسوی

۱. Carbonnier (Jean), Droit civil, T. ۴, les obligations, PUF, ۱۹^e e'd. ۲۰۰۰
۲. Gaudmet (Yves), Traite' de droit administrative, Tome I, Droit Administratif Ge'ne'ral, L.G.D.J., Edition Delta, ۲۰۰۰
۳. Jourdain (Patrice), Imputabilite' dune Contomination virale a' une transfusion sanguine, RTD civ., ۲۰۰۱
۴. Laude (Anne) la responsabilite' des produits de sante', Recueil Dalloz, civil, ۱۸^e Cahier, ۱۹۹۹
۵. Le Tourneau (Philippe) et Cadiet (Loic), Droit de la responsabilite' et des Contrats, Dalloz, ۲۰۰۲
۶. Veaux-Fournerie (Pauletee) et Veaux (Daniel), chasse, peche et autres loisirs sans fondement contractuel, Juris-Classeur ۲۰۰۲, (relative a' art. ۱۳۸۲ a' ۱۳۸۴) Fasc. ۷۵۱-۱
۷. Viney (Genevieve) et Jourdain (Patrice), Droit de la responsabilite', T. ۲, les Conditions de la responsabilite', L.G.D.J. ۱۹۹۵

د) منابع انگلیسی

۱. Bent (Daniel) and Burnham (Sharon), The Drug Dealer Liability Act, imposing Product liability For illegal drugs, www.Modelddla.com (۱۹۹۴)
۲. Coleman (Jules), Risks and wrongs, Cambridge University Press, ۱۹۹۲
۳. Flemming (John G.), An Introduction to The Law of Torts, Clarendon Press, Oxford ۱۹۸۵

۴. Henderson (Jams A.) Ingersoll (Jr. Frank B.) and Twerski (Aron D.), Products liability, Problems and Process, Aspen law and Business Publishers, ۴th ed., ۲۰۰۰
۵. Noel (Dix W.) and Phillips (Jerry J.), Products liability, cases and materials, West Publishing Company, ۱۹۸۲
۶. Porat (Ariel) and Stein (Alex), Tort liability under uncertainty, Oxford University Press, ۲۰۰۱
۷. _____, Indeterminate Causation, and Apportionment of Damages, Oxford Journal of legal studies, vol. ۲۳, No. ۴, ۲۰۰۳
۸. Ripstein (Arthur) and Benjamin C. Zipursky, corrective Justice in an age of mass torts (published in), Philosophy and the law of Torts (edited by), Gerald L. Postema, Cambridge University Press, ۲۰۰۲
۹. Shroeder (Christopher), Corrective Justice and liability For increasing risks, ۳۷ UCLA law Review, ۱۹۸۹-۹۰
۱۰. , Corrective Justice, liability for risks and Tort law, ۳۸ UCLA law Review, ۱۹۹۰-۹۱